**سال گذشته سال برآمد جنبش کارگری بود**

**یک سئوال از حمید تقوائی در مورد سالی که گذشت**

انترناسیونال: در سال ۹۵ اختلافات و درگیری ها میان جناحهای مختلف قدرت در درون جمهوری اسلامی کاهش پیدا نکرد و از سوی دیگر شاهد گسترده تر شدن اعتراضات علیه رژیم بودیم. به نظر شما با چه خطوطی میتوان یک تصویر کلی از شرایط سیاسی ایران در سال گذشته ترسیم کرد؟

حمید تقوائی: به نظر من مهمترین مولفه وضعیت سیاسی ایران در سالی که گذشت ارتقای کمی و کیفی اعتراضات مردم بود. از یکسو جنبش های اعتراضی باسابقه نظیر جنبش رهائی زن، جنبش افزایش دستمزد، جنبش علیه اعدام، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، اعتراض به دزدیها و حقوقهای نجومی و فساد مقامات، جنبش جوانان برای خلاصی فرهنگی و غیره گسترده تر و فعال تر شدند و از سوی دیگر مردم عرصه های متعدد و تازه ای علیه جمهوری اسلامی گشودند که دادخواهی از کشتارهای دهه شصت، اعتراض علیه پرونده سازیهای امنیتی، اعتراض علیه آلودگی هوا بخصوص در شهرهای خوزستان، اعتراض به ناامنی جاده ها در کردستان، و دفاع از حقوق حیوانات از جمله نمونه های این تعرض هستند. این جنبشها و اعتراضات حول خواستها و شعارهای عمیقا انسانی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه شکل گرفته اند و این واقعیت را نشان میدهند که آرمانهای رادیکال و چپ و انسانی بیش از پیش در جامعه نفوذ پیدا کرده و گسترش یافته است.

در شکل دادن به این فضای اعتراضی چپ و رادیکال جنبش کارگری نقش ویژه و تعیین کننده ای داشت. گسترش بیسابقه اعتصابات و مبارزات کارگری (از کارگران کارخانجات و واحدهای تولیدی کوچک و بررگ تا معلمان و پرستاران و بازنشستگان)، شرکت و دخیل شدن خانواه های کارگران در این مبارزات، طرح خواستها و مطالبات عمومی جامعه در اعتراضات کارگری و حمایت مردم و فعالین سایرجنبشهای اعتراضی از کارگران، از جمله مهمترین پیشروهای جنبش کارگری در سال گذشته بود. جنبش کارگری در اعلام خواستهای بخشهای مختلف جامعه نیز نقشی اساسی ایفا کرد. یک گام مهم در این جهت انتشار بیانیه عظیم زاده - عبدی است که به نظر من یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی در سال گذشته بود. این بیانیه در واقع کیفرخواست توده مردم علیه "مفتخوارن حاکم" بود و نقش مهمی در بچپ چرخیدن فضای اعتراضی در کل جامعه و بویژه تحکیم اتحاد و همبستگی بین فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمان و همچنین همراهی و همسوئی فعالین جنبش علیه اعدام، حمایت از زندانیان سیاسی و جنبش دانشجوئی با پیشروان جنبش کارگری ایفا کرد.

با توجه به همه این واقعیات میتوان سال گذشته را سال برآمد جنبش کارگری نامید. سالی که نهادهای و چهره های سرشناس جنبش کارگری حتی از درون زندانها با پرچم اعتراض به فقر و بیحقوقی طبقه کارگر و بخشهای مختلف جامعه قد برافراشتند و توده نود و نه درصدی مردم را در برابر حکومت اسلامی سرمایه نمایندگی کردند.

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت - و در قطعنامه های کنگره اخیر حزب نیز مورد تاکید قرار گرفته است- این واقعیت است که مبارزات جاری اساسا درقالب اعتراضات صنفی- مدنی- مطالباتی بیان میشود اما مبنا و انگیزه و مضمون آنها ضدیت با جمهوری اسلامی است. قالب صنفی مدنی اجازه میدهد که فعالین جنبشهای اعتراضی علنا بمیدان بیایند، در اشکال مختلف متشکل بشوند، و با چهره ها و نهاد ها و تشکلهای متعددی در عرصه های مختلف مطرح شوند و قد علم کنند. (بعنوان یک نمونه در اعتراضات توده ای مردم شهرهای خوزستان به آلودگی هوا بیش از چهل نهاد و تجمع مبارزه با آلودگی محیط زیست با اسم و رسم و طرح خواستها و شعارهای اعتراضی دخیل بودند). این به نظر من روند تعمیق و تشکل و تعین یافتن بیش از پیش جنبش سرنگونی در یک مقیاس اجتماعی گسترده است. این روند در جنبش کارگری از سالها قبل شروع شده بود و امروز شاهد گسترش و بسط آن به عرصه های متعدد مبارزه هستیم.

موقعیت رژیم و بالا گرفتن کشمکش بین جناحهای حکومتی که به آن اشاره کردید در تحلیل نهائی نتیجه و بازتاب این گسترش و ارتقای کمی و کیفی مبارزات و اعتراضات مردم در عرصه های مختلف و بچالش کشیده شدن کل نظام جمهوری اسلامی از یک موضع چپ و رادیکال و انسانی است. البته فاکتورهای متعددی نظیر نافرجامی برجام، انتخاب ترامپ و تشدید فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی، تضعیف موقعیت منطقه ای رژیم و بی افقی و سردرگمی جناحهای حکومتی در انتخاباتی که در راه است و غیره در تضعیف جمهوری اسلامی نقش ایفا میکند ولی اساس مساله نفرت و نارضائی عمیق مردم از جمهوری اسلامی است. اگر فاکتور اعتراضات و مبارزت جاری و بقول خود حکومتی ها "خطر فتنه ای بزرگتر از سال 88" نبود هیچیک از فاکتورهای دیگر- از رابطه با آمریکا گرفته تا انتخابات- به معضلی پیچیده و لاینحل برای حکومت تبدیل نمیشد. ما همیشه گفته ایم اختلافات و کشمکش جناحهای حکومتی در واقع بر سر راههای مختلف کنترل جامعه و نجات نظامشان در برابر اعتراضات رشد یابنده توده مردم است و بهمین دلیل بحران سیاسی اجتماعی و اقتصادی که رژیم با آن دست بگریبان است تا روز سرنگونی آن ادامه خواهد داشت. فاکتور تعیین کننده در شکل دادن به شرایط سیاسی در ایران نبرد بین توده مردم و حکومت اسلامی سرمایه است و سال گذشته در این نبرد حیاتی توده مردم گام بلندی بجلو برداشتند.